

ممکن است فصل جدیدی در راه باشد

ادامه از صفحه اول

یعنی هیچگاه با آرکان اصلی قدرت در ایران تقابل هم نداشته و این به آقای پزشکیان یک ویژگی بی همتا به ما می دهد که موقعیت تاریخی بی همتا به ما می دهد که ما بتوانیم هم نرخ مشارکت در انتخابات را بالا ببریم و هم اینکه بسیاری امیدوار باشیم انتخابات را با آقای پزشکیان در دور اول ببریم. یعنی تمام اصلاح طلبان الان باید با تمام ظرفیت شان از شخص آقای خاتمی و شخص سید حسن خمینی گرفته تا پایین به صحنه آمده تا هم نرخ مشارکت پرشورو بالا داشته باشیم و هم اینکه اولین دولت به راستی اصلاح طلب بعد از آقای خاتمی را روی کار بیاوریم. دولتی که ان شاء... همه ویژگی های اصلاح طلبی را خواهد داشت، امید جدیدی به جامعه تزریق می کند، رشد اقتصادی را تسریع می کند؛ به ویژه در زمینه توزیع ثروت. آقای دکتر پزشکیان باید طرح روشنی داشته باشد و جلو ببرد و در عین حال دوباره خاطرات تلخ حاکمیت دوگانه را زنده نمی کند. بنابراین یک فرصت تاریخی پدید آمده و ما باید تصمیم ساده در صحنه و موقعیت تاریخی جدیدی به ناگاهمان قرار گرفتیم و این نشان می دهد که چطورا اگر حکومت بخواهد و اگر دولت بخواهد حتما و حتما ایران قادر به اداره هزار بار بهتر کشور هست. تجربه امروز حراز صلاحیت مسعود پزشکیان این را یکبار دیگر به ما ثابت کرد. من بسیار امیدوارتر هستم الان و فکر می کنم علاوه بر تمام تاثیرات بزرگی که این انتخابات و احراز صلاحیت روی افزایش مشارکت داخلی و روی ورود طبقه متوسط شهری به صحنه جامعه اداره ایران ایجاد می کند، در صحنه بین المللی هم برای ما نقش بسیار مهمی ایجاد می کند. بهترین سلاح برای مقابله با ظهور احتمالی دونالد ترامپ و راستگرایی افراطی ایالات متحده آمریکا در آبان ماه آینده، همین انتخابات پیش روی ما و مشارکت پرشور مردمی است. مرحوم دکتر رئیسی در اقتصاد بسیار موفق تر از آن چیزی عمل کرده که حتی کارشناسان می گویند. چون بسیاری از این داوری ها به غرض الوه است. اما در حوزه حل و فصل مسائل بنیادین اقتصاد ایران، کم کار شده است. نه در سه سال گذشته بلکه در تمام ۱۳ سال گذشته. ما از نیمه دهه ۱۳۸۰ به این طرف یعنی از حدود بیست سال پیش به این طرف هیچ حرکت بنیادی و جدی در حوزه حل و فصل ناترازی های بزرگ اقتصاد ایران انجام ندادیم. یکی. مسئله ناترازی تولید و مصرف به ویژه در حوزه سوخت و انرژی است. یکی. مسئله ناترازی در منابع و مصارف دولت است. یکی. ناترازی در تشکیل سرمایه است. پس اندازه ناخالص داخلی که در دولت آقای خاتمی بین ۳۵ تا ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی بود الان به زیر ۳۵ درصد رسیده البته در این حوزه هم مرحوم رئیسی موفقیتی هایی داشت و این روند را مثبت کرده بود اما این روند بسیار تا نقطه نسبتا فاصله دارد. ما برای اروپایی ها به این ناترازی ها احتیاج به حداکثر مسئولیت و مشارکت مردم داریم. نمی شود که مردمی کشورمان را با ناترازی های اقتصادی و فقیرکردنشامن کنیم. این ناترازی ها را حل کرد و به مصاف این ناترازی هارفت. اقتصاد ایران دیگر رانتهی برای توزیع کردن ندارد و باید به مردمش رجوع کند و من احراز صلاحیت آقای پزشکیان و اتفاقی که دیروز افتاد را یک نقطه شروع خیلی خوب برای این کار می دانم.

خبر

اتخاذ تصمیم درباره نوع ضامن

معاون حقوقی دادگستری کل استان تهران درباره اخذ تأمین (وثیقه وضمانت نامه) از دولت یا مؤسسات دولتی برای احکام غیابی توضیحاتی بیان کرد. نعمت‌الله پهبوری اظهار کرد: با توجه به اطلاق تبصره ۲ ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که مقرر داشته، در اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین مناسب از محکوم له خواهد بود. معاون حقوقی دادگستری کل استان تهران گفت: دلیلی که دولت یا مؤسسات دولتی را از شمول تبصره مذکور استثنانگردد و چون ندارد و اتخاذ تصمیم درباره نوع ضامن یا میزان تأمین با دادگاه صادرکننده حکم غیابی است.

وی همچنین در خصوص اخذ تأمین بخشنامه شماره ۹۳۴۵/۱/۸۷ مورخ ۱۳ بهمن ۸۷ رئیس وقت قوه قضائیه اعلام کرد: به منظور تسریع در اجرای احکام غیابی و همچنین تسهیل در وصول مطالبات بانک‌ها از اشخاص حقیقی و حقوقی و در راستای اجرای تبصره ۲ ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی و با توجه به نوع و چگونگی تأمین مورد نیاز برای اجرای احکام غیابی و نظر به اطمینان از جبران خسارات احتمالی وارده، در صورت نقض حکم دادگاه‌های مجری حکم می‌توانند تعهد نامه‌ای از بانک محکوم له به عنوان تأمین موضوع تبصره ۲ ماده مزبور اخذ کنند.

سعید شریعتی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

انتخابات ریاست جمهوری

باید معنادار باشد

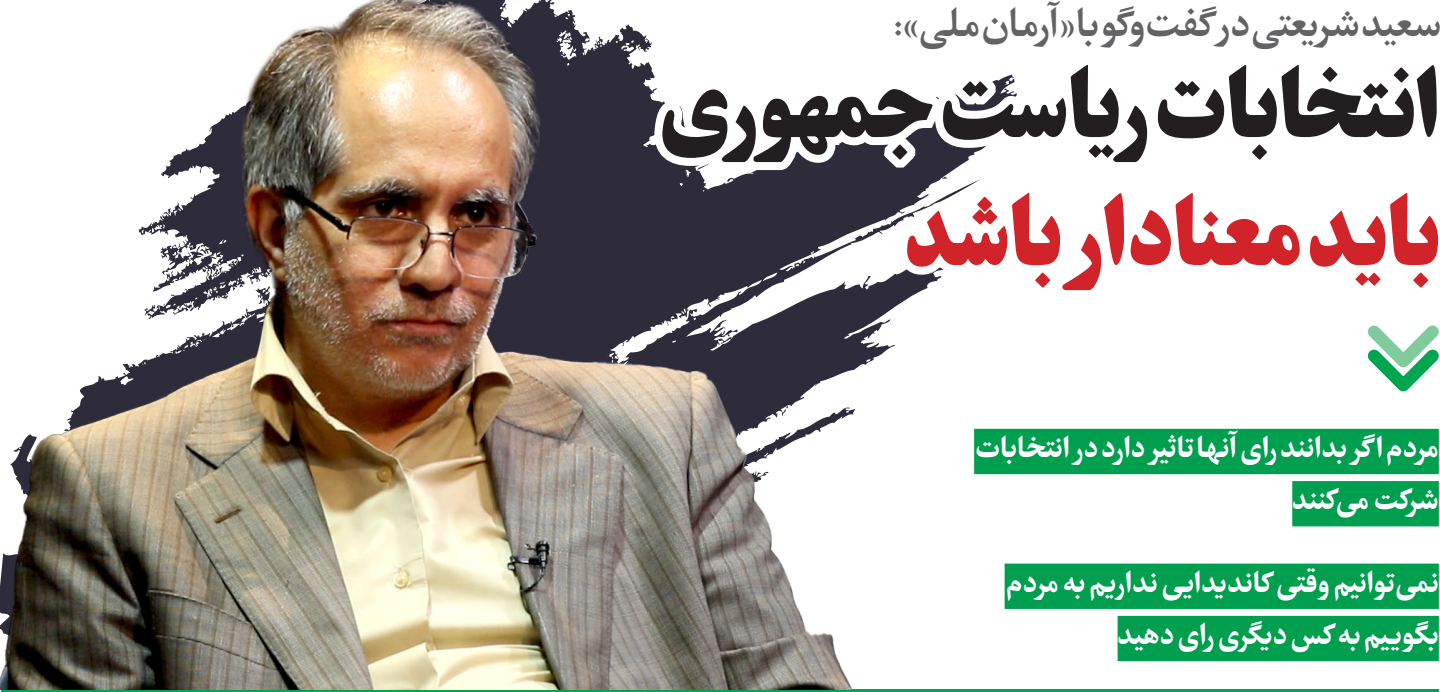


مردم اگر بدانند رای آنها تاثیر دارد در انتخابات

شرکت می کنند

نمی توانیم وقتی کاندیدایی نداریم به مردم

بگوییم به کس دیگری رای دهید



آرمان ملی – حمید شجاعی؛ شاید اگر همه چیز در عرصه سیاسی کشور طی یک ماه گذشته به طور عادی و معمول طی می شد در حال حاضر شاهد هیچ گونه تکاپویی در جریانات سیاسی نبودیم و همه مسائل در انتخابات هیأت رئیسه مجلس، کمیسیون ها و فراقسیون ها خلاصه می شد، اما ساخته بالگرد رئیس جمهور و همراهان باعث شد تا فضای سیاسی کشور منتهب شود و همگان به انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری فکر کنند. در همین راستا اقدامات اولیه در جهت برگزاری انتخابات زود هنگام انجام شد و در نهایت ۸۰ نفر در انتخابات ثبت نام کردند که تعدادی از ثبت نام کنندگان از اصلاح طلبان بودند. در همین مسیر نیز جبهه اصلاحات نامزد های مدنظر خود را اعلام کرد و اسحاق جبهائوردی، عباس آخوندی و مسعود پزشکیان نامزدهای

مواجه جریان اصلاحات با مساله انتخابات پیش رو را با توجه به بیابنه اولیه جبهه اصلاحات؛ بیابنه آقای خاتمی و مبتناق نامه جبهه اصلاحات چگونه ارزیابی می کنید؟

جبهه اصلاحات در فرم فعلی خود از سال ۱۴۰۰ به عنوان یک ائتلاف و جبهه سیاسی در وزارت کشور ثبت شده و فعالیت می کند. قبل از این جبهه؛ شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان بود که تقریبا عملکردی مشابه با یک آئین نامه و ساز و کار متفاوتی داشت و شورای عالی سیاستگذاری از یک الگوی رفقاری مشخص در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای سال ۹۶ و انتخابات مجلس در سال ۹۸ پیروی کرده است. قاعده نیز بر این بوده که در ابتدای کار قضاوت پیش از موعد نمی کرده و فرض را بر این می گذاشته که برگزار کنندگان و ناظران انتخابات را معنادار برگزار می کنند. لذا از پیش قضاوت نمی کرده که بر فرض انتخابات نامایشی است. در همه انتخابات های گذشته جبهه اصلاحات و شورای عالی سیاستگذاری هر کدام با کارکرد مشابه تلاش کردند که در انتخابات مشارکت فعال داشته باشد. یعنی از کاندیداهایی که خود را واجد صلاحیت می دانستند دعوت می کردند که ثبت نام کنند و از بین ثبت نام کنندگان در یک فرایندی کاندیداهای خود را چه در انتخابات مجلس و چه در ریاست جمهوری فهرست می کردند.

اگر به خاطر داشته باشید جبهه اصلاحات در ۱۴۰۰ که اولین انتخاباتی بود که جبهه اصلاحات با این شکل و شمایل فعلی فعال بود قریب به ۱۰۰ نفر از کاندیداهایی که مدنظر داشت را به ترتیب آرا که در مجمع عمومی جبهه اصلاحات آورده بودند به عنوان کاندیداهای مورد نظر قابل قبول معرفی کرد و آنها هم ثبت نام کردند که در مرحله بعد شورای نگهبان با بررسی صلاحیت کاندیداهای و در صلاحیت همه کاندیداهای مورد نظر جبهه اصلاحات عملاز آن نظر جبهه اصلاحات انتخابات را بی معنا کرد. لذا وقتی ما کاندیدایی نداریم و نمی توانیم گزینه ای که به برنامه های ما متعهد باشد تا ما بتوانیم پاسخگوی عملکرد و رفتارش باشیم نمی توانیم به مردم بگوییم که کس دیگری رای بدهید و اخلاقی هم نیست. نمی شود گفت که فلان کس ما را قبول ندارد. ما هم او را قبول نداریم اما مردم بیباید به او رای بدهید. از این جهت انتخابات بی معنایی شود یعنی عنصر رقابت و تنوع گرایش ها وقتی وجود نداشته باشد دیگر انتخاباتی فقط تبدیل به رای گیری می شود و از وجهه انتخابات می افتد. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۰ رخ داد و جبهه اصلاحات نیز در آن زمان بیابنه داد که انتخابات از نظر ما معنادار نیست و شرکت نمی کنیم و از کسی هم حمایت نمی کنیم. این اتفاق اکنون در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ هم افتاده و تعدادی از افراد به دعوت احزاب یا گروه های سیاسی عضو جبهه اصلاحات ثبت نام کردند و جبهه اصلاحات نیز از بین پیشنهاد هایی که اعضا و گروه های عضو دادند با رای گیری و مکانیسم دوسوم آرا ۳ کاندیدا معرفی کرد. البته ممکن است از نظر برخی گروه ها، شخصیت های تاثیروهای سیاسی اینگونه باشد که اصلاح طلبان از اول هم نمی توانستند کاندیدایی معرفی کنند و انتخابات از اول برای آنها بی معنا بود. اما از منظر جبهه اصلاحات یک آزمونی برای معنادار بودن انتخابات وجود دارد و آن اینکه جبهه اصلاحات می تواند به هواداران و طرفداران و نیروهایی که از ایده های جبهه اصلاحات حمایت می کنند کاندیداهایی مورد تایید، حمایت که به مبتناق نامه جبهه اصلاحات پایبند هستند را معرفی کند.

جریان اصلاحات همواره خود را محور مطالبات مردم دانسته و از نهاد انتخابات در شرایط رقابتی بودن انتخابات محل بحث است؛ چنانکه جبهه اصلاحات و اصلاحات و عدای از اصلاح طلبان معتقد به رقابتی بودن انتخابات با کاندیداهای تخصصی هستند اما عدای دیگر معتقد به استفاده از حداقل ها روزنه ها؛ این اختلاف نظر را چگونه تحلیل می کنید؟

مسئله بر سر اصل نهاد انتخابات است و اصلاح طلبان

اصلاح طلبان شدند. هر چند که با اعلام وزارت کشور از این بین فقط مسعود پزشکیان توانست مجوز حضور در انتخابات ریاست جمهوری را به دست آورد. حال باید دید جبهه اصلاحات چه رویکردی در خصوص انتخابات پیش رو خواهد داشت. آیا تمام قد پشت پزشکیان خواهد ایستاد یا اینکه اصلاح طلبان رویکردی دیگری را اتخاذ خواهند کرد. هر چند که عدم تایید صلاحیت جبهه های چون جهانبگیری و لاریجانی نیز در نوع خود قابل تامل است. در این راستا برای بررسی و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری پیش رو؛ نوع مواجهه اصلاح طلبان با انتخابات و آنچه در سپهر سیاست ایران می گذرد «آرمان ملی» با سعید شریعتی، فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو حزب اتحاد ملت به گفت و گو پرداخته است که در ادامه می خوانید.

می پسندند نمایندگی و وکالت بدهند و بعد از او پرنسپ کنند و بعدا خیالشان راحت باشد که انتخابات موثر است در انتخابات شرکت می کنند. اینگونه نیست که انتخاب کنند، اما انتخاباتشان موثر نباشد و فردایتیر بزنند که چیزی عوض نشده خیالتان راحت باشد. مردم وقتی دیدند که ما آقای روحانی را انتخاب کردیم که هزار وعده ای داد و اعاد کرد تازه شخص با نفوذ، قد رتمند و دبیر شورای عالی امنیت ملی بود و مردم با ۲۴ میلیون رای او را انتخاب کردند، اما پس از شش ماه دیدند که او کاری نمی تواند بکند یا راه ها پیش روی او بسته است یا اینکه خودش نمی خواهد.

اگر کاندیداهای اصلاح طلبان مثل جهانبگیری یا آخوندی تایید صلاحیت می شدند و فرض می کردیم که مردم نیز به صحنه آمده و از آنها حمایت می کردند چه تضمینی وجود داشت که وقتی به قول شما آقای روحانی در آن جایگاه نتوانست کاری را پیش ببرد این افراد بتوانند عملکرد موثری داشته باشند؟

هیچ تضمینی وجود ندارد. اما ما می گویم برای اینکه حسن نیت خودمان را به عنوان نیروی سیاسی در جبهه اصلاحات نشان بدهیم این افراد را برای پیشبرد امور موثر موفق می دانیم. البته قضیه مردم جداست، چرا که ممکن است مردم الان اگر ما کاندیدای صد درصدی اصلاح طلب هم معرفی می کردیم مردم اصلا هیچ اعتنائی نمی کردند می گفتند خاتمی با آن همه سیاست و روحانی یا آن هم قدرت و نفوذش هیچ کاری نکردند شما می خواهید چکار کنید؟ اما ما به عنوان نیروهای سیاسی اصلاح طلب پیشداوری نمی کنیم. این یک سنت و شیوه سیاسی است که پیش گرفتیم و از اول خیلی جدی پای انتخابات می اییم تا لحظه ای که ببینیم انتخابات معنادار هست یا نیست.

اگر تحت هر شرایطی اصلاح طلبان فقط به دنبال کاندیدای اصلاح طلب بودند پس انتخابات سال های ۹۲ است؛ چرا آن زمان ها روی آقای عارف یا جهانبگیری نتانند؟

اصلاح طلبان به عنوان نیروهای سیاسی سیاست ورزی می کنند. در مقطعی احساس کردند که جامعه می خواهد در انتخابات محل اثر باشد و رای بدهد و برای خود با تصور عمومی از رفتار جامعه عمومی سال ۹۱ اصلاح طلبان به این جمع بندی رسیدند که به هر شکل در انتخابات باشیم. کاندیدای اصلاح طلب هم معرفی کردند و آقای عارف سال ۹۲ به صحنه آمدند. هر چند که اول آقای هاشمی کاندیدای مقبول اصلاح طلبان در آن مقطع آمد و ثبت نام کرد که رد صلاحیت شد. آقای عارف و روحانی نیز ثبت نام کردند، اما کاندیدایی که مطالبات و برنامه های اصلاح طلبانه را دنبال کند در صحنه بود. آقای روحانی که در ظاهر به جناح اصلاح طلب نیز وابسته نبود هم در آن انتخابات رویکرد و برنامه های اصلاح طلبانه را تبلیغ کرد و نقاط اشتراک فراوانی بین برنامه های آقای روحانی و مطلوبات اصلاح طلبان حداقل در شعار بود. آقای روحانی نیز در مذاکرات و تعاملاتی که در انتخابات بود چه مستقیم و چه به واسطه آقای هاشمی تعهد خود را به تغییر شرایط از دوره احمدی نژاد به سمت مسیر مورد خواست اصلاح طلبان و جامعه اصلاح طلب ارائه کرد. آنجا اصلاح طلبان دیدند که چه کسی وزن بیشتری دارد و در نظر سنجی ها آقای روحانی وضع بهتری داشت. ما هم اضرازی نداشتم که کاندیدای صد درصدی داشته باشیم، اما دیدیم که مطلوب جامعه این است. منتها این جز تجاربت سیاست در ایران است که عملکرد دوره آقای روحانی و برخی نمایندگان لیست امید در مجلس دهم نشان داد که کاندیدای نیابتی نمی تواند راضی کند باشد. در انتخابات ۹۶ نیز روشن بود که دوره آقای روحانی باید ادامه پیدا کند و همه متفق القول بودند چون عملکرد ۴ ساله اول دولت روحانی در سیاست خارجی، اقتصاد و مسائل اجتماعی و سیاسی کاملا قابل دفاع بود و دولت موافقی داشت. به خاطر همین ۲۴ میلیون مردم به او رای دادند. کمالاتی که مردم معطل نوع رفتار اصلاح طلبان نبودند و خود به آقای روحانی رای دادند.

شما باید امکان انتخاب داشته باشید و با اختیار، علاقه و تشخیص خود روی حداقل نه حداکثر شخص مورد نظر خود را انتخاب کنید. لزوما در هر انتخاباتی آحاد شهروندان و نیروهای اجتماع و سیاسی نمی توانند بگویند فلان شخص کاندیدای صد درصد است. واقعا در هر انتخاباتی که کاندیداهای آیند همه حداقلی هستند و امکان ندارد که شما کاندیدای حداکثری در انتخابات معرفی کنید. چرا که مثلاًه نفر می گویند آقای X همه مطلوب های ما را دارد اما بیست نفر می گویند فقط بیست درصد از مطلوب های ما را دارد

ذره بین

عوامل اصلی اختلاف ایران و آژانس

ابهام بر سر چه مسائلی است؟

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی روز دوشنبه سوم ژوئن (۱۴ خرداد) به اعضای شورای حکام این نهاد بین المللی گفت که «ایران تعهدات پادمانی را اجرا نمی کند و آن را به حالت تعلیق درآورده است. به همین دلیل آژانس در موقعیتی نیست که بتواند صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران را تأیید کند. این اظهارات بعد از آن صورت گرفت که محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران همزمان با سفر گروسی به اصفهان گفته بود «همواره در حال تعامل و گفت وگو درباره مسائل پادمانی هستیم. تاکنون ۲ مکان باقی مانده و ۲ مکان حل و فصل شده درباره دو مکان در حال گفت وگو هستیم. بیابنه اسفند ۱۴۰۱ از نظر ما پابرجاست و بر اساس آن تعامل داریم. اسلامی تأکید کرده بود «ما ورود هیچ بازرسی را ممنوع نکردیم ۱۳۰ بازرس آژانس مجاز به حضور در ایران هستند.» چه آنکه گروسی پس از اولین دیدارش در تهران اعلام کرد و در شبکه «ایکس» نوشته بود: «مجموعه ای از تمهیدات عملی را برای احیای بیابنه مشترک چهارم مارس ۲۰۲۳ باهدف احیای روند اعتمادسازی و افزایش شفافیت پیشنهاد کرد.» او پیش تر نیز در گزارش هایش به وجود سه مکان الوده به اورانیوم اشاره کرده بود که آژانس از وجود آن ها مطلع نبوده است. آنچه در بحث های کارشناسان آژانس بین المللی انرژی اتمی بر این نکته بحث شده بود که مکان هفتی در «نورقوزآباد» در جنوب تهران، ورامین در شرق تهران و مریوان در استان کردستان محل ابهام هستند. این در حالی است که در توافق اسفند ۱۴۰۱ نیز طرفین در خصوص همکاری درباره مسائل پادمانی با یکدیگر به نتیجه رسیدند و قرار شده بود ایران در خصوص این سه مکان مشکوک که از نظر آژانس که در آنجا رد اورانیوم پیدا شده بود اطلاعات بیشتری را در اختیار آژانس قرار دهد. اما به محض بازگشت گروسی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی از سفر به تهران و اصفهان، مشخص شد که اختلافات میان ایران و آژانس بیشتر از آن چیزی بوده است که در مصاحبه مطبوعاتی او با محمد اسلامی نشان داده است. گروسی در فرودگاه وین یک مصاحبه مطبوعاتی کوتاه گفته بود «از سطح همکاری جمهوری اسلامی ایران با بازرسان آژانس راضی نیست» و در توصیف آن گفت: «تقریباً در بن بست قرار داریم.» ناظران سیاسی معتقدند جلسات فی مابین آژانس و کارشناسان ایران در چارچوب بیابنه اسفندماه ۱۴۰۱ برای رفع ابهامات آژانس، با رویکرد فنی نبوده است. چه آنکه انتظار می رفت دعوت ایران از گروسی در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ در تهران و سپس اصفهان به جای برنامه ریزی برای بازدید مجدد گروسی از سی و سه پل، به برگزاری جلسات فنی و کارشناسی برای رفع ابهام از سه نقطه اعلامی آژانس برنامه ریزی می شده است. اگر چه ایران معتمد است پرونده هسته ای مسئله جدا از مذاکرات برجام است و آژانس بین المللی انرژی اتمی نباید این دو مسئله را با رویکرد سیاسی به یکدیگر مرتبط کند؛ اما با بن بست مذاکرات برجام برای رفع تحریم ها که از سوی علی باقری از ابتدای دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ پیگیری می شد، ایران از اهرم افزایش غنی سازی اورانیوم و قطع ارتباط کارشناسان آژانس با دوربین های نظارتی مراکز هسته ای به عنوان واکنشی فعالانه برای در مذاکرات رفع تحریم ها در برابر بد بدهی های آمریکا و خروج این کشور از برجام بهره برد. اما در این میان، ارائه برخی اطلاعات طبقه بندی شده از سوی اسرائیل به آژانس رویکرد سیاسی این سازمان را نسبت به پرونده صلح آمیز هسته ای ایران به رویکردی بدبینانه و با تمرکز بر ابعاد نظامی برنامه هسته ای ایران تغییر داد. همچنین بخش برخی اظهارنظرها در صداوسیما توسط کشورمان هم زمان با اظهار طبقه بندی شده از سی اس ای که جایگاه مهم تصمیم سازی سیاست خارجی ایران مبنی بر وجود ظرفیت های ساخت بمب اتم در ایران، رویکردهای نظارتی آژانس بین المللی انرژی اتمی را تشدید کرد و بر خواسته های آنها از ایران افزود. حالا با در نظر گرفتن صحنه ای بزرگ تر شامل جنگ غزه، حملات مبنی ها که ائتلاف آمریکا، تغذیه اطلاعاتی آژانس از سوی اسرائیل و احتمال احیای تحریم های ماقبل برجام توسط اروپایی ها بعد از قطننامه اخیر آژانس، در واقعیتی انکارناپذیر، به گفته ناظران سیاسی پرونده هسته ای ایران در آژانس در پیوندت آشکارا با برجام و سیاست خارجی ایران در خارومیانه قرار گرفته است. تحلیلگران روابط بین الملل معتقدند اروپایی ها به دلیل همکاری بران با روسیه که به تقویت جبهه روسیه در اوکراین انجامیده، با بدبینی به ابهامات پرونده هسته ای ایران در آژانس نگاه می کنند و تقابل نظامی ایران و اسرائیل در فروردین ۱۴۰۳ و اظهارنظر جانبازان از نخبگان در کشور معتقدند باید در نظم جدید جهانی که ایران را در کنار چین و روسیه قرار داده، ایران از قدرت بازآرندگی اتمی برخوردار شود. این رویکرد که در تقابل رویکرد مذهبی – سلاهی رهبر انقلاب در حرمت ساخت و استفاده از سلاح هسته ای است، به تکرر گفتنهایی در دکتترین هسته ای ایران انجامیده و زمینه را برای بهره برداری های سیاسی اروپا و اسرائیل علیه ایران فراهم کرده است. اما آیا انتخابات ریاست جمهوری در ایران خواهد توانست به ظرفیتی برای اجماع در ایران برای اتخاذ راهبردی شفاف تر در سیاست خارجی یا ولوییت رفع تحریم ها منجر شود؟